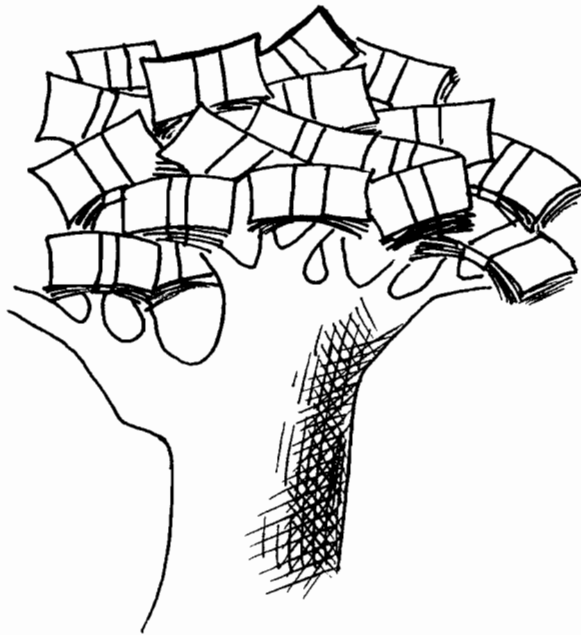




سید ابوالحسن مطلبی 

اشاره

یکی از کارهای خداپسندانه‌ای که می‌توان با آن، گره‌ای را گشود، غبار غمی را از چهره گرفته‌ای بسترد، دلی را شاد کرد و اسباب خرسندی خداوند سبحان را به ارمغان آورد، قرض دادن است. اهتمام بدین مهم به گونه‌ای است که خداوند، وام دادن به غیر را قرض دادن به خود به حساب آورده است، چنان که می‌فرماید: کیست که به خدا قرض دهد تا خدا بر او چندین برابر بیفزاید؟!^۱ در این مقاله به ابعاد مختلف موضوع قرض الحسنه می‌پردازیم.

مفهوم قرض

واژه «قرض» در لغت به معنی بردن با دندان است و در اصطلاح فقهی یکی از عقود شرعی است که به واسطه آن کسی مدیون و وامدار دیگری می‌شود. تحقق شرعی قرض دادن به دیگری

۱- سوره بقره (۲) آیه ۲۴۵. نص آیه در ادامه مقاله آورده شده است.

منوط به ایجاب و قبول است، البته به شرطی که دهنده وام شرط زیاده در بازپرداخت مال نداشته و گیرنده مال قصد بازپرداخت وام را داشته باشد.

در این صورت به محض واگذاری مال به گیرنده وام، وی حق تصرف در آن مال را دارد، و مال مفروض در زمره دیون وی قرار می‌گیرد که در صورت شرط زمان در بازپرداخت وام، وی ملزم به بازپرداخت آن در زمان مشخص است وگرنه به محض طلب قرض دهنده، ملزم به بازپرداخت مال است.

فقیهان آیات زیر را بیانگر مشروعیت قرض دانسته‌اند:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾^۱

«کیست که خدا را وام (یعنی قرض الحسنه) دهد تا خدا بر او به چندین برابر بیفزاید؟ و خداست که گیرد و می‌دهد و خلق همه به سوی او بازمی‌گردند.»

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾^۲

«آن کیست که به خدا قرض نیکو دهد (یعنی قرض الحسنه و صدقه و احسان به فقیران کند) تا خدا بر او چندین برابر گرداند و پاداشی با لطف و کرامت (نامتناهی) او را عطا نماید.»

﴿إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾^۳

«اگر به خدا (یعنی بندگان محتاج خدا) قرض نیکو (یعنی قرض الحسنه یا صدقه) دهید خدا برای شما چندین برابر گرداند و هم از گناه شما درگذرد و خدا بر شکر و احسان خلق، نیکو پاداش دهنده است و برگناهشان بسیار بردبار است.»

﴿... وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا...﴾^۴

«... و به خدا قرض نیکو دهید (یعنی برای خدا به محتاجان احسان کنید و قرض الحسنه دهید).»

۱- سوره بقره (۲) آیه ۲۴۵.

۲- سوره حدید (۵۷) آیه ۱۱.

۳- سوره تغابن (۶۴) آیه ۱۷.

۴- سوره مزمل (۷۳) آیه ۲۰.

در تعریف دین گفته‌اند که عبارت از هر حق مالی یا غیرمالی است که در عهده کسی برای دیگری باشد.^۱ از این رو اقسام گوناگونی از معاملات همچون بیع نسیه، بیع سلم و سلف، قرض، رهن و ضمان موجب دین می‌گردند.

در قرآن کریم دو آیه به بررسی مطلق دین پرداخته است:

آیه اول

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ...﴾^۲

در این آیه مفصل احکام زیر مورد توجه قرار گرفته است:

۱- دین یا مؤجل است - یعنی دارای مهلت معینی برای بازپرداخت است - یا غیر مؤجل که در صورت اخیر با درخواست داین، مدیون ملزم به پرداخت است، و در صورت اول تاریخ دقیق پرداخت دین باید مشخص شود؛ زیرا در آیه آمده است:

﴿إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾

۲- به جهت حرمت حفظ مال مؤمن، حکم به نوشتن دین شده است:

﴿فَاكْتُبُوهُ﴾

۳- نویسنده دین باید شخص عادل باشد:

﴿وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ﴾

۴- نویسنده دین، نباید از نوشتن خودداری کند:

﴿وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ﴾

از این رو، اگر کاتب منحصر به فرد باشد بنا به نظر برخی از فقیهان نوشتن بر او واجب عینی است.

۵- نویسنده دین باید دین‌نامه را بر میزان شرع بنویسد:

﴿كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ﴾

۱- احکام قرآن، ص ۲۶۸.

۲- سوره بقره (۲) آیه ۲۸۲.

بنابراین که عبارت اخیر متعلق به «لا یأب» باشد نویسنده نباید در ازای نوشتن عوضی مطالبه کند؛ چه نوشتن بی عوض ادای شکر الهی بر او خواهد بود.
 عر شخص مدیون باید متن دین نامه را املا کند؛ چه بیان اثبات حقی در ذمه او و شهادتی علیه اوست، و در این راستا نباید از مطلبی فروگذاری شود؛ چه ممکن است بستانکار، واقف بر اصول اهل قلم نباشد:

﴿وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئاً﴾

۷- اگر شخص مدیون، سفیه یا ضعیف العقل و یا ناتوان از املا باشد، ولی او با رعایت عدل املا کند:

﴿فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهاً أَوْ ضَعِيفاً أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ﴾

۸- برای دین نامه دو شاهد مرد یا یک مرد و دو زن گرفته شود، تا اگر یکی از زنان مسأله را فراموش کرد دیگری یادآوری کند و این شاهدان باید عادل و مورد اطمینان باشند:

﴿وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى﴾

۹- نباید شاهدان به هنگام درخواست شهادت از آن سرباز زنند:

﴿وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا﴾

۱۰- نباید از نوشتن دین کوچک و بزرگ مقید به مدت دلتنگ شد، زیرا دین نامه مکتوب نزد خدا عادلانه تر است و جهت شهادت استوارتر و جهت عدم بدگمانی و شک نزدیک ترین راه است:

﴿وَلَا تَسْمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيراً أَوْ كَبِيراً إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا﴾

۱۱- اگر معامله نقدی باشد؛ می توان آن را ننوشت، اگرچه نوشتن آن نیز جایز است:

﴿إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا﴾

۱۲- هرگاه معامله نقدی شود می توان بر آن شاهد گرفت:

﴿وَاشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ﴾

۱۳- نباید بر نویسنده و شاهد دین نامه ضرری وارد آورد، زیرا این عمل فسق است:

﴿وَلَا يُضَارُّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ﴾

بنابر آن که «لا یضار» فعل معلوم باشد نویسنده و شاهد نباید ضرری وارد آورند.

آیه دوم

﴿وَإِنْ كَانَ دُوْ عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۱

این آیه ناظر به عدم تعهد مدیون است در صورتی که تنگدست باشد، از این رو باید به او تا زمان گشاده دستی مهلت داد و حتی در صورت توان نیز به او کمک کرد.

در این باره - یعنی مهلت دادن به بدهکار و مدارا با او و ارزش و پاداش این کارِ کریمانه - به روایاتی گرانسنگ از ائمه معصومان علیهم السلام تمسک می‌جوئیم:

از بُریده نقل است که گفت:

«از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: کسی که به تنگدست مهلت دهد قبل از رسیدن

موعد پرداخت، در مقابل هر روز به اندازه آن مال برای او صدقه محسوب می‌شود و

وقتی که موعد پرداخت رسید در قبال هر روز مهلت، دو چندان صدقه برایش به

حساب می‌آید.»^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«کسی که می‌خواهد در (قیامت) روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه عرش الهی نیست

خداوند او را در سایه چتر حمایت خود قرار دهد باید به بدهکار تنگدست مهلت دهد

یا این که به نفع او از حق خود بگذرد.»^۳

«کسی که با انسان مؤمن تهیدستی مدارا کند، خداوند نیازهای دنیا و آخرت او را به

آسانی برآورده کند.»^۴

۱- سوره بقره (۲) آیه ۲۸۰.

۲- الترغیب و الترہیب، ج ۲، ص ۴۴.

۳- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۵۰.

۴- همان، ص ۱۵۲.

«کسی که به بدهکارش مهلت دهد یا از طلب خود صرف نظر کند، در قیامت در سایه

عرش (رحمت الهی) قرار گیرد.»^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«خداوند عز و جل، مهلت دادن به تنگدست را دوست دارد، و کسی که بدهکارش

تهیدست است باید به او مهلت دهد تا راه چاره‌ای یابد.»^۲

پاداش وام دهنده

در روایاتی که از امامان پاک علیهم السلام بر جای مانده، قرض دادن، کار بسیار مثبتی ارزیابی شده است؛

هر چند که از قرض گرفتن - حتی الامکان - منع شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«کسی که به برادر مسلمان خود قرض دهد

در برابر هر دره‌می که قرض داده به اندازه

کوه‌های احد، رضوان و سینا پاداش خواهد

داشت و اگر برای وصول طلب خود با

بدهکار مدارا کند از پل صراط همانند برق

جهنمه، بدون حساب و عذاب عبور

خواهد کرد.»^۳

امام علی علیه السلام در وصیتی به امام

حسن علیه السلام فرمودند:

«غنیمت بدان کسی را که در زمان

توانگریت از تو قرض می‌خواهد تا در روز

تنگدستی آن را به تو باز پس دهد.»^۴



۱- میزان الحکمة، ج ۸، ص ۱۲۶.

۲- همان، ص ۱۵۳.

۳- ثواب الاعمال و عقابها، ص ۴۱۴.

۴- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«هیچ مسلمانی نیست که به مسلمان دیگری به خاطر خدا قرض دهد جز آن که هر روز خداوند ثواب صدقه را به حساب او به شمار آورد، تا زمانی که بدهکار، مالی را که از او قرض گرفته بازپس دهد.»^۱

از این روایت می توان استفاده کرد که قرض دهنده بدون این که مالی را از کف دهد از تمام آثار و برکات صدقه بهره مند می گردد و تا زمانی که مدیون دینش را به او ادا نکرده هر روز معادل مالی که قرض داده گویا صدقه می دهد!

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«هر کس به مؤمنی وام دهد و منتظر بماند تا وام گیرنده از عهده پرداختن وام برآید مالش در زمره زکات است و درود فرشتگان - تا زمانی که وام گیرنده قرضش را ادا کند - نثار اوست.»^۲

«کسی که برادر مسلمان و نیازمندش از او درخواست قرض کند و با این که توانایی دارد به او قرض ندهد خداوند او را از شمیم بهشت محروم گرداند.»^۳

برتری قرض

از آن جاکه اسلام مخالف هرگونه گداپروری است و پیامبر رحمتش صلی الله علیه و آله و سلم بر دست کارگری که با کد یمین و عرق جبین به تأمین معیشت خویش می پردازد، بوسه می زند، با مرور روایاتی که درباره قرض و صدقه آمده است برتری قرض از صدقه کاملاً آشکار می شود. مضمون برخی از آن روایات را مرور می کنیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

- ۱- «ما مِنْ مُسْلِمٍ أَقْرَضَ مُسْلِمًا يَرِيدُ وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا أُحْتَسِبَ لَهُ أَجْرُهَا بِحَسَابِ الصَّدَقَةِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَيْهِ.» بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۳۹.
- ۲- «مَنْ أَقْرَضَ مُؤْمِنًا قَرْضًا يَنْتَظِرُ بِهِ مِيسُورَهُ كَانَ مَالَهُ فِي زَكَاةٍ وَكَانَ هُوَ فِي صَلَاةٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ حَتَّى يُوَدِّيَهُ إِلَيْهِ.» همان، ص ۱۳۹.
- ۳- «مَنْ احْتَجَّ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فِي قَرْضٍ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ.» همان، ص ۱۳۸.

«شبی که به معراج رفتم بر در بهشت دیدم که نوشته شده بود: صدقه ده برابر و قرض، هیجده برابر پاداش دارد! به جبرئیل گفتم چرا قرض الحسنه برتر از صدقه است؟ گفت: چون قرض گیرنده همیشه به خاطر نیازش قرض می‌کند ولی سائل درخواست کمک می‌کند هر چند بی‌نیاز باشد.»^۱

در فقه الرضا به نقل از امام رضا علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود:

«پاداش وام دادن هیجده برابر بیش از صدقه است؛ زیرا با فراهم شدن شرایط استقراض، شخص ناگزیر به گرفتن صدقه نمی‌شود.»^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«اگر هزار درهم را دو بار قرض دهم بیشتر دوست دارم تا این که آن را یک بار تصدق دهم.»^۳

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«اگر مالی را قرض دهم پیش من محبوب تر است تا همانند آن راصله دهم.»^۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«هیچ مسلمانی نیست که به مسلمانی یک بار قرض دهد جز این که گویی آن مال را دو بار صدقه داده است.»^۵

«هر قرضی (افزون بر پاداش های زیادی که دارد (در حکم) صدقه است.»^۶

نکوهش استقراض و کوتاهی در پرداختن آن

با این که در روایات به افراد متمکن توصیه و تأکید شده که به افراد نیازمند و گرفتار که ناچار به

۱- میزان الحکمة، ج ۸، ص ۱۲۳.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۴۰.

۳- همان، ص ۱۳۹.

۴- همان.

۵- همان، ص ۱۳۹.

۶- همان.

استقراض می‌شوند، وام پرداخت کنند ولی مضمون پاره‌ای از روایات حاکی از نکوهش قرض گرفتن است و آن را پدیده‌ای منفی می‌شمارد: رسول خدا ﷺ فرمودند:

«از وام خواستن (و بدهی داشتن) حذر کنید که آن غم شب و ذلت روز است.»^۱

«از کفر و بدهی به خدا پناه می‌برم! گفته شد: ای پیام‌آور خدا! آیا بدهی با کفر معادل است؟! فرمود: آری.»^۲

«هیچ دردی همچون درد چشم و هیچ اندوهی چون اندوه بدهی داشتن نیست.»^۳

از امام باقر علی‌ه السلام نقل شده است که فرمود:

«شهادت در راه خدا کفاره و پوشانندهٔ هر گناهی است جز دین که در آن هیچ کفاره‌ای

نیست جز پرداختن آن، یا این که صاحبش آن را قضا و تدارک کند، یا این که طلب‌کار و صاحب حق از آن درگذرد.»^۴

نقل شده که معاویه بن وهب از امام صادق علی‌ه السلام پرسید به ما رسیده که مردی از انصار را مرگ در رسید که دینی بر عهده داشت؛ از این رو پیامبر ﷺ بر (جنازه) او نماز نگذارد و به حاضران فرمود: بر این دوستان نماز نگذارید تا دین او پرداخت شود. امام علی‌ه السلام در توضیح این روایت فرمود:

«پیامبر ﷺ بدان جهت این کار را انجام داد تا مردم مسألهٔ دین را سبک‌نشانند.»^۵

امام صادق علی‌ه السلام فرمودند:

«از دین بکاهید که در کاستن دین فزونی عمر است.»^۶

«دزدان سه‌گونه‌اند: کسی که زکات نپردازد، کسی که مهر زنان را حلال شمارد، و کسی

که قرض کند و نیت پرداختن آن را نداشته باشد.»^۷

۱- سفینه البحار.

۲- همان.

۳- همان.

۴- همان.

۵- همان.

۶- همان.

۷- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۷۷.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«هر که قادر باشد بر ادای صاحب حقی؛ ولی با این وجود او را معطل کند (کوتهای کرده و امروز و فردا کند) گناه هر روز او (که معطل می کند و تأخیر روا می دارد) گناه و خطای باجستان است.»^۱

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«از قرض گرفتن پرهیز کنید که ننگ دین است.»^۲
«تأخیر انداختن غنی (از پرداخت به موقع بدهی خود) ستم به حساب می آید.»^۳

قرض داران، غم نخورند!

با مرور روایاتی که درباره قرض وارد شده است به احادیثی برمیخوریم که خود می تواند قدری از غم جانکاه قرض داران بکاهد، برخی از این گوهرهای تابناک را که حاکی از سیره رسول خدا ﷺ و زندگی زاهدانه معصومان علیهم السلام است چنین اند:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«رسول خدا ﷺ در حالی که دین بر عهده داشت رحلت فرمود.»^۴
«حضرتش مدیون بود و زره اش در مقابل بیست صاع در گرو یک یهودی بود.»^۵
ابن عباس گوید که حضرتش فرمود:

«خداوند مرا به نبوت برتری داد، و علی را به امامت و امر فرمود تا دخترم را به او تزویج کنم، او پدر فرزندانم، غسل دهنده جثه ام و اداکننده دین من است، دوستدار او دوست من و دشمن او دشمن من است.»^۶

امام صادق علیه السلام فرمود:

۱- همان.

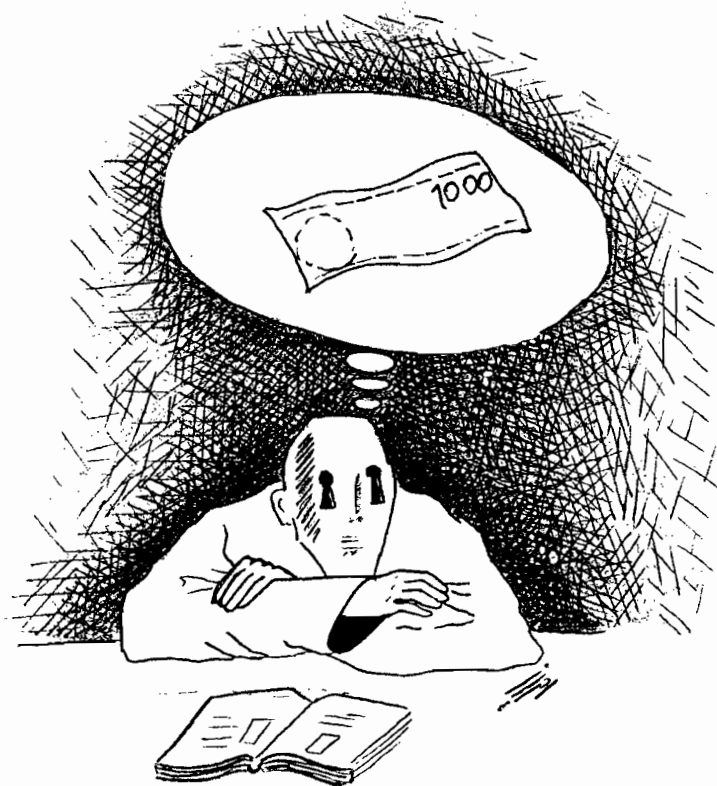
۲- همان.

۳- همان، ص ۹۰.

۴- سفینه البحار.

۵- همان.

۶- همان.



«امام حسن علیه السلام به هنگام رحلت بدهکار بود، امام حسین علیه السلام نیز هنگام شهادت
 دین بر عهده داشت.»^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

«امام حسین علیه السلام هنگام شهادت بدهکار بود که امام سجاد علیه السلام زمینی از آن حضرت
 را فروخت تا دینش را ادا کند.»^۲

احکام قرض

قرض دو قسم است: مدت دار؛ یعنی هنگام قرض دادن مشخص شده است که قرض گیرنده چه
 موقع بدهی را بپردازد. قسم دیگر، قرض بدون مدت است که زمان پرداخت در آن مشخص نشده
 است.

۱- اگر قرض مدت دار باشد طلبکار نمی تواند پیش از تمام شدن آن مدت، طلب خود را

۱- همان.

۲- همان.

درخواست کند. اگر مدت دار نباشد، طلبکار هر وقت بخواهد می‌تواند طلب خود را درخواست کند.^۱

۲- اگر طلبکار طلب خود را درخواست کند، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً بپردازد و اگر تأخیر بیندازد گناهکار است.^۲

۳- اگر مقداری پول به کسی بدهد و شرط کند که پس از مدتی مثلاً یک سال دیگر زیادتر بگیرد ربا و حرام است؛ مثلاً یکصد هزار تومان بدهد و شرط کند که پس از یک سال یکصد و بیست هزار تومان بگیرد.^۳

۴- ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است و کسی که قرض ربایی گرفته اگرچه کار حرامی کرده ولی اصل قرض صحیح است و می‌تواند در آن تصرف کند.^۴

۵- اگر بدهکار بدون شرط قبلی چیزی اضافه به طلبکار بدهد اشکال ندارد، بلکه مستحب است.^۵

۶- اگر بدهکار غیر از خانه‌ای که در آن نشسته و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آن‌ها احتیاج دارد چیزی نداشته باشد طلبکار نمی‌تواند طلب خود را از او مطالبه کند، بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد.^۶

۷- اگر شخصی مبلغی به عنوان قرض از دیگری گرفته و بعد از آن دیگر او را ندیده است و خیلی هم دنبالش گشته و از زنده بودن وی هم اطلاعی ندارد باید چنانچه طلبکار را می‌شناسد تحقیق کند تا حق او را به خودش یا به ورثه‌اش بپردازد و اگر از پیدا کردن صاحب پول ناامید باشد، باید از طرف او به فقیران صدقه بدهد.^۷

۱- توضیح المسائل، امام خمینی، مسأله ۲۳۰۶. این بخش (احکام قرض) از کتاب «آموزش فقه» نگاشته حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای محمدحسین فلاحزاده - دام‌عزه - اقتباس شده است.

۲- توضیح المسائل، مسأله ۲۲۷۶.

۳- توضیح المسائل، مسأله ۲۲۸۸.

۴- توضیح المسائل، مسأله ۲۲۸۴.

۵- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الدین و القرض، ص ۶۵۴.

۶- توضیح المسائل، مسأله ۲۲۷۷.

۷- استفتائات، ج ۲، ص ۲۸۵، نقل به تلیف.

۸- بدهکار می تواند مقداری از مال خود را نزد طلبکار به گرو بگذارد تا اگر طلب او را نداد از آن مال طلب خود را به دست آورد.^۱

۹- استفاده چیزی که گرو (رهن) می گذارند مال کسی است که آن را گرو گذاشته است. بنابراین گروگیرنده، بدون اجازه صاحب مال نمی تواند از آن استفاده کند.^۲

۱۰- طلبکار (گروگیرنده) و بدهکار (گرودهنده) نمی توانند مالی را که در رهن است بدون اجازه یکدیگر ملک کسی کنند. مثلاً بفروشند یا ببخشند، ولی اگر یکی از آنان آن را بفروشد یا ببخشد و بعد دیگری بگوید راضی هستم، اشکال ندارد.^۳

۱۱- اگر مالی را که بدهکار گرو گذاشته خانه و اثاثیه منزل هم باشد طلبکار می تواند بفروشد و طلب خود را بردارد.^۴

۱۲- چنانچه طلبکار قبول کند، بدهکار می تواند بدهی خود را بر عهده دیگری گذاشته و به او حواله دهد.^۵

۱۳- طلبکار می تواند حواله را نپذیرد، اگرچه فردی که به او حواله شده فقیر نباشد و در پرداختن حواله هم کوتاهی نکند.^۶

۱۴- بعد از آن که حواله درست شد، حواله دهنده و کسی که به او حواله شده نمی توانند حواله را به هم بزنند مگر آن که یکی از آنان برای خود حق به هم زدن حواله را قرار دهند که در این صورت مطابق قراری که گذاشته اند می توانند حواله را به هم بزنند.^۷

۱۵- چنانچه طلبکار قبول کند انسان می تواند متعهد شود بدهی کسی را بپردازد که به این تعهد، ضمان می گویند.^۸

۱- ر.ک: توضیح المسائل، مسأله ۲۳۰۰.

۲- توضیح المسائل، مسأله ۲۳۰۶.

۳- همان، مسأله ۲۳۰۵.

۴- همان، مسأله ۲۳۰۹.

۵- همان، مسأله ۲۲۸۹.

۶- همان، مسأله ۲۲۹۵.

۷- همان، مسأله ۲۲۹۷ و ۲۲۹۹.

۸- تحریر الوسیله، کتاب الضمان، ج ۲، ص ۲۵.

- ۱۶- اگر طلبکار طلب خود را به ضامن ببخشد ضامن نمی تواند از بدهکار چیزی بگیرد و اگر مقداری از آن را ببخشد نمی تواند آن مقدار را مطالبه کند.^۱
- ۱۷- اگر انسان ضامن شود که بدهی کسی را بدهد نمی تواند از ضامن شدن خود برگردد.^۲
- ۱۸- ضامن و طلبکار می توانند شرط کنند که هر وقت بخواهند ضمانت ضامن را به هم بزنند.^۳
- ۱۹- اگر شخصی بدون اجازه بدهکار، ضامن شود که بدهی او را بدهد نمی تواند چیزی از او بگیرد.^۴
- ۲۰- انسان می تواند متعهد و ملتزم شود که هر وقت طلبکار بدهکار را خواست او را احضار کند که به این تعهد و التزام، کفالت می گویند.^۵

۱- توضیح المسائل، مسأله ۲۳۱۵.

۲- همان، مسأله ۲۳۱۶.

۳- همان، مسأله ۲۳۱۷.

۴- همان، مسأله ۲۳۲۰.

۵- ر.ک: تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۴.